

ففاد داد

قققت دوف

از : حضد رضا كردلو

اشاره :

در قسمت اول مقاله كه در شماره ۱۵ فصلنامه درج شده بود نويسنده از فساد و مفاسد مالي تعاريفي را از ديدگاههاي مختلف اشاره نموده بودند و همچنين فساد مالي را تحت عناوين فساد هزينه گاه - فساد هزينه افزا - فساد درآمد افزا و فساد درآمد گاه قرار داده و عوامل مهم و موثر در فساد مالي را بر شمردند. در قسمت دوم اين نوشتار به عنصر قانون ارتشاء و موارد آن اشاره مي گردد. باشد كه مورد استفاده قرار گيرد.

ا ناء الله

عنصر قانوني ارتشاء: ماده واحده مصوب سال ۱۳۰۸ پيش بيني شده ارتكاب رشوه و اخاذي در قوانين ايران جرم شناخته شده و مستوجب مجازات است. اسلامي در كميسيون قضايي آن مورد تجديد نظر قرار گرفت. قانون مصوب سال ۱۳۶۲ نيز با تصويب قانون ديگري در ديماه ۱۳۶۷ تجديد نظر مواجه و مجازات ها شديدتر گرديد. قواني ن ايران نشان مي دهد. در گذشته احكام ناظر به دو جرم رشاء (دادن رشوه) و ارتشاء در مواد ۱۳۹ تا ۱۴۷ قانون مجازات عمومي و ماده واحده مصوب سال ۱۳۰۸ پيش بيني شده بود. در سال ۱۳۶۲ اين قانون مجلس شوراي اسلامي در كميسيون قضايي آن مورد تجديد نظر قرار گرفت. قانون مصوب سال ۱۳۶۲ نيز با تصويب قانون ديگري در ديماه ۱۳۶۷ تجديد نظر مواجه و مجازات ها شديدتر گرديد. قواني ن ايران نشان مي دهد. در گذشته احكام ناظر به دو جرم رشاء (دادن رشوه) و ارتشاء در مواد ۱۳۹ تا ۱۴۷ قانون مجازات عمومي و

علاوه بر تشدید مجازات جرمهای رشاء و ارتشاء قلمرو شمول قانون مشترک نیز گستره بیشتری یافت. در خرداد ماه ۱۳۷۵ نیز در ضمن قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) طی مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ بحث از جرایم رشاء و ارتشاء به میان آمده است.

ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری که چنین مقرر داشته است:

هریک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضائی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت های دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مامورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام دادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مامور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد.

عنصر معنوی جرم رشاء و ارتشا:

نظر به اینکه رشاء و ارتشا از جرایم عمدی هستند، رکن معنوی یا روانی جرم بستگی به نیت و قصد و اراده شخصی مرتکب دارد. تحقق ارتشا موکول به این امر است که کارمند دولت آگاهانه و با قصد سوء استفاده از موقعیت و عنوان دولتی و یا در جهت انجام وظیفه یا عدم انجام وظیفه وجهی را از راشی دریافت کند. به محض دریافت وجه، ارتشا محقق است.

نقطه مقابل این موضوع که مثبت وجود اراده آگاهانه است، نفی قصد و نیت و عدم آگاهی کارمند در خصوص موضوع جرم است بعنوان مثال اگر کارمندی از کسی وجهی را تحت عنوان عاریه یا هبه و یا قرض یا امانت قبول کند و بعداً معلوم شود که شخص دهنده وجه یا مال، آن را بابت کاری که نزد او داشته به

او داده است ، چنانچه گیرنده وجه یا مال
 بر خوردش با موضوع منطبق با موازین قانونی
 مبتنی بر شرح وظایفش بوده باشد ، به لحاظ
 فقدان عنصر آگاهی از موضوع ، از مصادیق
 ارتشا تلقی نمی‌شود.

ماده ۳ ق. ت □ مجازات خواهد شد و راشی از
 معافیت کیفری استفاده نموده و وجه نیز به او
 مسترد خواهد گردید .

با توجه به مراتب فوق‌الذکر ، جرایم رشاء و
 ارتشا لازم و ملزوم یکدیگر نیستند ، ممکن است
 یکی تحقق یابد و دومی متحقق نشود و
 بالعکس .

عنصر مادی جرم ارتشا:

تحقق عنصر مادی جرم ارتشا بستگی به
 پرداخت وجهی توسط راشی برای انجام امری
 یا عدم انجام امری در رابطه با سمت و وظیفه
 شخص مرتشی داشته و با قبول وجه یا مال و
 غیره در رابطه با مقاصد مذکور توسط کارمند
 دولت ، به محض قبول وجه ، در رابطه با
 وظیفه اداری اش عنصر مادی جرم تحقق یافته
 است .

مجازات واسطه رشاء و ارتشا :

مطابق ماده ۵۹۳ ق. م . ا هر کس عالماً ، عامداً
 موجبات تحقق جرم ارتشا از قبیل مذاکره ،
 جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا
 سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات
 راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود شخص

صورت دیگر قضیه این است که اگر کسی
 بابت انجام امری یا عدم انجام آن وجهی را به
 کارمند داده باشد و کارمند نه به قصد برداشت
 شخصی بلکه جهت اعلام جرم به مقام بالاتر
 آن را وصول نموده باشد به لحاظ فقدان
 عنصر معنوی ، ارتشا تحقق نیافته و رشاء در
 این صورت متحقق شده است . راشی طبق
 ماده ۵۹۲ ق م ا مجازات خواهد شد لکن
 کارمند، عنوان مرتشی نداشته و مبرای از
 مسئولیت کیفری است .

در اثر اضطرار مجبور به پرداخت وجهی در
 جهت اثبات حق خود و عدم ابطال آن باشد و
 یا این مساله را با مسئولین ما فوق کارمند
 هماهنگ کرده باشد ، در این صورت به محض
 وصول وجه از ناحیه کارمند در ارتباط با
 وظیفه اش ، ارتشا تحقق یافته و مرتشی مطابق

موضوع حکم این ماده واسطه است و واسطه
 بین راشی و مرتشی مجازاتش همان مجازات
 راشی است که به مجازات حبس از شش ماه
 تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم
 می‌گردد.

تکرار و تعدد جرم در رشاء و ارتشا :
 مطابق تبصره یک ماده ۳ که مقرر می‌دارد :
 مبالغ مذکور از حیث تعیین مجازات و یا
 صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم
 دفعتاً واحده و یا به دفعات واقع شده و جمع
 مبلغ مأخوذه بالغ بر نصاب مزبور باشد . با
 توجه به تبصره فوق‌الذکر اگر کارمندی از یک
 نفر در چند نوبت رشوه دریافت کند چون عمل
 انجام شده همان عمل رشوه می‌باشد . تعدد
 دریافت وجه موضوع ارتشا، موجب تعدد جرم
 نبوده منتها در تعیین مجازات ،مجموع وجوه
 گرفته شده نصاب خواهد بود.

در خصوص تکرار جرم قابل ذکر است چنانچه
 هیچ یک از موارد رسیدگی نشده باشد به
 موجب مواد ۴۶ و ۴۷ ق . م . ا موجب تشدید
 مجازات خواهد شد لکن یک مجازات بیشتر
 تعیین نمی‌شود و در حالتی که موردی از جرم
 قبلاً حکم صادر و اجرا شده باشد و بعد از
 اجرای آن متهم مرتکب جرم جدیدی گردد.
 تشدید آن به هر حال بسته به نظر حاکم است.
 در خصوص تعدد جرم رشا و ارتشا با جرایم
 دیگر بدین ترتیب است که قاعده جمع مجازاتها
 در خصوص موارد مطابق ماده ۴۷ ق. م . ا .
 پذیرفته شده است و هر چند جرمی که انجام
 شده باشد مجازات همان عناوین با هم جمع و
 اجرا می‌گردد.

هدف از پرداخت رشوه
 پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به
 اهدافی از قبیل: تسهیل در اجرای قوانین،
 تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون ،
 دسترسی غیر قانونی به منابع درآمد زاء، و
 جعل اسناد و مدارک صورت می گیرد.
 مهمترین زمینه‌های کاربرد رشوه عبارتند از:
 ۱- مناقصه : کسب اطلاع از قیمت های اعلام
 شده از طرف پیمانکاران رقیب در مناقصه های
 دولتی با پرداخت رشوه به مسئولین برگزاری
 مناقصه یا افرادی که به دلایلی به پیشنهادات
 رسیده از طرف پیمانکاران دسترسی داشته
 باشند. به این طریق پیمانکار خاطی با اطلاع از

رقبای خود پیشنهادی را مطرح می کند که از نظر قیمت اندکی پایین تر و یا از نظر کیفیت ظاهری مقداری بهتر باشد. پرداخت رشوه در مناقصه زمانی به اوج می رسد که پیمانکار به شرایط و خواست های غیر آشکار و حساس کارفرما دسترسی داشته باشد که در این صورت با رعایت نکات مورد علاقه کارفرما حتی می تواند قیمت خود را هم پایین نیاورد.

۲- مزایده: در این گونه موارد نیز مانند مناقصه، پرداخت ها به منظور دسترسی به اطلاعاتی از قبیل علایق واقعی مزایده کننده و پیشنهادات ارائه شده از طرف رقبا صورت می گیرد. در این موارد (و همچنین در مناقصه ها) گاهی روش های خاصی به کار گرفته می شود به طوری که پیمانکار بدون پرداخت مستقیم رشوه به کارفرما به اهداف خود دست می یابد. در این روش پیمانکار با توجه به اطلاع از محدود بودن برد تبلیغاتی آگهی مناقصه یا مزایده با ایجاد چند رقیب ساختگی به اعلام قیمت هایی می پردازد که در قبال قیمت و شرایط خود از وضعیت نامناسبی برخوردار باشند و در واقع کارفرما را ناچار به پذیرش شرایط خاص مورد نظر خود می کند.

۳- خریدهای دولتی: دستگاه های وابسته به دولت و یا عمومی (مانند وزارتخانه ها، شرکت ها و سازمان های وابسته دولتی، شهرداری ها و ...) معمولاً جهت تهیه اقلام مورد نیاز خود، پس از اخذ مجوزهای لازم به وسیله مامورین خرید و هماهنگی بخش مربوطه از بازارهای داخلی و یا خارجی اقدام می کنند. در این موارد فروشندگان کالاها و خدمات با در اختیار گذاشتن تسهیلاتی از قبیل وجه نقد، هدایای جنسی، ارائه خدمات رایگان، پورسانت، صدور فاکتورهایی با قیمت های غیر واقعی تلاش می نمایند تا مشتری همیشگی برای خود جذب کنند. از نتایج این کار پرداخت های بالاتر سیستم دولتی، خرید اقلامی با استانداردهای پایین تر از مشخصات اعلام شده، و خرید اقلام غیر ضروری به منظور کسب منفعت شخصی می باشد.

به هر حال بایستی از طرف دولت پرداخت شود. در این گونه موارد طلبکار برای آنکه زودتر به طلب خود برسد آماده پرداختن رشوه است. امری که کارکنان می توانند موزیانه آنرا عقب بیندازند.

۵- پرداخت به دولت : فراگیرترین موارد

پرداخت رشوه، در زمینه پرداخت هایی است که باید به حساب دولت واریز گردد (مانند جریمه راهنمایی و رانندگی، حقوق گمرکی، انواع مالیات و عوارض شهرداری). در اینجا

۴- تسریع در انجام امور قانونی : در این گونه موارد ارباب رجوع صرفاً به منظور از دست ندادن زمان یا کم کردن مراجعات متعدد و بی مورد اقدام به پرداخت رشوه به کارمندان دولتی می کند. زیرا می داند که کارمند می تواند سعی می شود تا با پرداخت رشوه از مبلغ پرداختی به حساب دولت کاسته شود. اثرات سوء اخلاقی و رفتاری رشوه به علت گستردگی ارتباط آن با عامه مردم به سرعت در جامعه شیوع می یابد.

۶- سند سازی : پرداخت رشوه برای جعل سند جهت خرید و فروش و کسب مالکیت اموال منقول مانند زمین های بایر از دیگر مواردی است که در یک مقطع و با یک پرداخت انجام می شود ولی حقی دایمی برای فرد ایجاد می کند. این قبیل پرداخت رشوه از نظر ارتباط

با طرح ایرادات قانونی اما بی اهمیت و وقت گیر او را به در دسر بیندازد. پرداخت رشوه به منظور تسریع در انجام امور اداری و دسترسی سریع تر طلبکاران به طلب های خود از بخش های دولتی در قالب انجام پروژه های پیمانکاری، وثیقه، دریافت حسن انجام کار، و سپرده ارزی برای صادرات انجام می شود که

آن با مالکیت اموال که ارقام قابل توجهی هستند حایز اهمیت است.

سالیانه ، ماهانه و موردی که از طرف مشتریان دارای حساب جاری به کارمندان شعب پرداخت می شود). بی شک چنین پرداخت هایی بدون انتظار استفاده از امتیازات منابع بانکی صورت نمی گیرد. تسهیل و تسریع در دسترسی به اعتبارات مالی در قالب وام های مختلف یا اعطای اعتبار به مشتریان در پاسخ به استعلام های انجام شده از سوی سایر مؤسسات دولتی یا دیگر مشتریان از دیگر موارد تبادل رشوه در سیستم بانکی است.

انتظار مشتری در مقابل پرداخت رشوه علاوه بر دو مورد اخذ وام و اعتبار، شامل مواردی مانند حساب سازی، برگشت ندادن چک های بلامحل، پر کردن کسری حساب از وجوه بانک، دادن دسته چک های متعدد بدون طی کردن روال مربوط و کسب اطلاع از موجودی و حساب های سایر مشتریان می باشد. کارکنان بانک در صورت عدم دریافت به موقع و مناسب رشوه به راحتی می توانند با ندادن دسته چک قبل از پاس شدن حداقل ۸۰ درصد برگ های دسته چک قبلی و یا مخدوش ساختن اعتبار تجاری مشتری نزد مراجعین به بانک و

گرفتن امتیازات : گرفتن امتیازات خاص از بخش دولتی، استفاده از فرصت هایی که به دلیل محدود بودن امکانات دولت فقط در اختیار معدودی از افراد قرار می گیرد، اعم از امتیازات عام مانند گرفتن جواز کسب یا امتیازات ویژه مانند استخراج معادن صادرات و واردات یا تولید کالاهای مورد نیاز بخش های دولتی یا عرضه عمومی که به عنوان منبع درآمد بسیار قابل توجه بوده و افراد از آمادگی بیشتری برای پرداخت رشوه برخوردارند. در این گروه، دلالی و واسطه گری کالاهای خارجی یا بازاریابی اجناس دولتی بسیار اهمیت دارد و سودهای کلانی نصیب افراد می کند.

۸- امور بانکی : پرداخت رشوه در امور بانکی با توجه به گستردگی شبکه و ارتباط مستقیم با منابع مالی از یک طرف و عامه مردم از طرف دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است. این قبیل رشوه ها گاهی به شکل یک رویه آشکار و ظاهراً قانونی در عرف و حتی نزد مسئولین نظام بانکی درآمده است. (مانند پرداخت های

- یا اشکال تراشی های دیگر او را دچار در دسر نمایند.
- ۹- امور قضایی: پرداخت رشوه می تواند نتیجه دادرسی حقوقی یا نظارتی را تغییر دهد و باعث شود تا در قضاوت و صدور حکم از یکی از طرفین دعوا جانب داری مخفیانه صورت گیرد و یا باعث گردد که دولت نتواند جلوی فعالیت های غیرقانونی مانند خرید و فروش مواد مخدر یا آلودگی های محیط زیست توسط واحدهای تولیدی خلافاکار را بگیرد که لطمه آن مستقیماً به اجتماع و منابع طبیعی کشور وارد می شود.
- موارد دیگری از رواج رشوه در زندگی روزمره جامعه به شرح زیر قابل ذکر است:
- ثبت نام کودکان در مدارس و برگزاری امتحانات ارتقاء و انتقال معلمان.
 - انجام معاینات و دریافت خدمات پزشکی جراحی یا به دست آوردن تخت برای بیمار یا حتی ملاقات او.
 - حمایت از جنایتکاران و دستگیری بیگناهان از سوی پلیس و اهمال در دستگیری مجرمین.
 - نادیده گرفتن تخلفات رانندگی توسط کارکنان راهنمایی و رانندگی و جریمه نکردن متخلفین.
 - صدور گذرنامه یا ارائه مجوز اقامت به خارجیان توسط پرسنل اداره گذرنامه.
 - داشتن برخورد خوب تر و کمک به زندانیان در زندان توسط کارکنان زندان ها.
 - تغییر دادن تشخیص ها و ارزیابی های مالیاتی و پنهان کردن اختلافات مالی حساب ها توسط ممیزان و حسابرسان .
 - برای دریافت مستمری از کار افتادگی یا بلزنشستگی یا بیمه بیکاری، استفاده از یارانه یا مزایای غیر نقدی دیگر.
 - تغییر شرایط قراردادها در طی اجرای پروژه ها توسط ناظران و کارشناسان و مدیران.
 - پنهان کردن یا به جریان انداختن پرونده های قضایی توسط منشی دادگاه، تخفیف مجازات ها، پس گرفتن اتهامات ، آزاد کردن

افراد به قید ضمانت توسط قاضی، طولانی کردن دادرسی ها.

- هنگام نقشه برداری و تفکیک و تقسیم زمین‌ها توسط ادارات شهرداری، دادن اجازه قطع درختان به صاحبان زمین ها توسط اداره منابع طبیعی، ایجاد انشعابات جدید و تقسیم آب توسط کارکنان اداره آب.

- پوشاندن نقاط ضعف پیمانکاران در اجرای پروژه ها توسط شرکت های دولتی. - برگشت به کار، کارگران اخراجی و کسب مجوز کار کارگران خارجی توسط کارکنان اداره کار.

- مخفی کردن و عدم انتشار اطلاعات ابهام برانگیز و خوب جلوه دادن بعضی از افراد و مسئولین توسط روزنامه نگاران.

۲-۵- اختلاس :

در حال حاضر کشور ما با پدیده ای شوم به نام اختلاس در نظام اداری و مالی خود مواجه است اختلاس به عنوان یکی از مصادیق بازر فساد مالی و اقتصادی در تمامی بخش ها گسترده شده است.

اختلاس در لغت به معنی ربودن، دستبرد زدن، و دست اندازی به دیگران ، گرفتن شیئی با عجله و سرعت هر چه تمامتر و یا به معنی استفاده از فرصت مناسب می‌باشد ، چنانکه گفته‌اند : « الخلسه سريعته الفوت بطيئه العود» . اختلاس به صورت حیف و میل اموال عمومی و بیت المال و تصرف غیر قانونی وجوه مربوط به آن در بسیاری از دستگاه ها و

سازمان های دولتی به شکل مخفیانه ای رواج دارد. این اختلاس ها گاه کوچک و گاه بزرگ هستند و از جابجا هی یک سند کوچک حسابداری تا خرید و فروش غیر قانونی اموال عمومی و واگذاری آنها به غیر را شامل می‌شوند. روش های معمول برای این کار، سند سازی، فاکتورسازی ، تبانی در انجام معاملات، مناقصه ها، مزایده ها ، برداشت پول از حساب های خاص دولتی که به نام افراد

است و واریز آنها به حساب های شخصی و واگذاری تسهیلات خاص دولتی که معمولاً در اختیار افراد منحصر به فرد قرار دارند به اطرافیان و آشنایان می باشد. اختلاس معمولاً با تبانی و همدستی چندین نفر در یک زنجیره

سازمانی آغاز می شود و کار به جایی می‌رسد که گاهی با خطای یک عضو با بر ملا شدن یک سند، اختلاف حساب‌ها روشن و تخلفها یکی پس از دیگری آشکار می شوند. از نظر فقهی اختلاس مصداق خیانت و از گناهان کبیره است.

متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بنفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می‌گردد.

عناصر تشکیل دهنده جرم اختلاس عبارتند از:

اختلاس از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست اندازی بر مال دیگران اطلاق می شود و عبارتست از این که با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری چنین مقرر می‌دارد: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و بطور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال

عناصر مادی این است که اموال متعلق به دولت بوده و یا به حسب وظیفه در اختیار آنان قرار گرفته باشد.

عناصر معنوی، تصرف غیرقانونی و برداشت

وجوه و اموال بنفع خود من غیر حق می باشد. در صورتی که سه عنصر فوق جمع گردد یعنی طرف کارمند باشد و اموال دولت یا اشخاص به حسب وظیفه به او سپرده شده باشد و آن کارمند بنفع خود و خلاف قانون برداشت نماید جرم اختلاس تحقق یافته و کارمند مجرم مختلس نامیده می شود .

تکرار و تعدد جرم اختلاس :

تکرار جرم اختلاس بصورتی که بعنوان مثال از یک حساب چندین دفعه برداشت غیرقانونی کرده باشد . هر چند دفعه ای که باشد به لحاظ اینکه قبلاً رسیدگی نشده و حکمی درباره آن اصدار نیافته و اجرا نشده است یک جرم تلقی و یک مجازات برای آن تعیین می گردد لکن در تعیین مجازات میزان مجازات برابر مجموع مبالغ مورد اختلاس بعنوان نصاب جرم می باشد.

در خصوص تعدد جرم که مربوط به حالتی است که جرایم ارتكابی از یک نوع نباشند . در این صورت به هر جرمی جداگانه رسیدگی و با اجرای قاعده جمع مجازاتها در مورد مرتکب، حکم اجرا می گردد .

۳-۵- تصرف غیرقانونی

تصرف غیرقانونی به مصرف رساندن یا مورد استفاده قرار دادن غیرمجاز ، وجوه یا اسناد یا اوراق بهادار یا اعتبارات مصوبه یا اموال متعلق به دولت و بیت المال توسط یکی از کارکنان ادارات دولتی یا سایر مامورین مذکور در ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات است .

برابر این ماده هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها یا شهرداریها و مؤسسات و شرکت های دولتی یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده

غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد.

در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر این مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

تصرف غیرقانونی را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی و مورد بحث قرار داد:

اولاً از نظر نوع جرم:

تصرف غیرقانونی نیز مانند اختلاس از جرائم عمدی است و برای تحقق آن لزوماً بایستی مرتکب به اراده و خواست خویش وجوه یا اسناد یا اوراق بهادار دولتی را در غیر مواردی که قانون اجازه بکار بردن آن را داده است به مصرف برساند.

عبارت قسمت اخیر ماده ۵۹۸ مبنی بر این که (در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد) به نظر ما ناشی از تدبیر و سیاست کیفری مقنن برای حفظ و حمایت بیشتر از اموال عمومی و بیت‌المال صورت گرفته است و این امر تأثیری در تغییر ماهیت عمدی بودن جرم تصرف غیرقانونی ندارد. به دلیل این که اهمال و تفریط که نوعی بی‌مبادلاتی است مقوله‌ای جدا از عمد است.

ثانیاً تصرف غیرقانونی از جرائم عمدی مطلق است:

با توجه به تعریف، به محض بکار بردن غیرمجاز مال یا وجه دولتی از ناحیه کارمند در خارج از حدود اختیارات و وظیفه قانونی خود جرم محقق خواهد شد. و اصولاً در جرائم عمدی مطلق به محض وقوع عملیات مجرمانه صرف‌نظر از ایجاد و حصول نتیجه جرم محقق می‌شود. بر این اساس در جرم تصرف غیرقانونی هر چند مرتکب قصد تملک وجه یا مال دولتی و عمومی را برای خود یا دیگری داشته باشد یا نداشته باشد این اندازه

اقدام او برای تحقق جرم تصرف غیرقانونی کفایت می‌کند .

ثالثاً □ از نظر موضوع جرم :

برای تحقق جرم تصرف غیرقانونی مانند جرم اختلاس ، موضوع جرم شامل ، وجوه نقدی یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به یکی از ادارات یا سازمانها یا مؤسسات مورد اشاره در قانون می‌باشد .

رابعاً □ از نظر سمت مرتکب جرم :

مرتکب جرم تصرف غیرقانونی لزوماً باید یکی از کارکنان دولت یا مامورین سازمانها یا شوراها یا شهرداریها و یا شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و اعضاء دیوان محاسبات و دارندگان پایه قضائی و کارکنان قوای سه گانه و

نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی باشد.

خامساً □ از نظر حیثیت جرم :

جرم تصرف غیرقانونی از جرائم عمومی است و به همین مناسبت تدوین کنندگان قانون

تعزیرات سال ۱۳۷۵ در ماده ۷۲۷ این قانون که دربرگیرنده جرائم قابل گذشت تعزیری است و قانونگذار در این ماده جرائم قابل گذشت را که

جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند از تعقیب مجرم صرفنظر نماید ، این جرائم قابل گذشت با قید شماره موارد ذکر کرده است که در میان آن شماره ۵۹۸ راجع به تصرف غیرقانونی احصاء

شده است و این امر مبین توجه بیشتر

قانونگذار به حفظ و حمایت از اموال عمومی و بیت‌المال است .

عناصر اختصاصی تصرف غیرقانونی:

عناصر متشکله جرم تصرف غیرقانونی به قرار ذیل است :

۱- عنصر مادی جرم و اجزاء آن :

اولاً □ نحوه ارتکاب فعل مجرمانه

برای اینکه جرم تصرف غیرقانونی تحقق پذیرد لازم است که از طرف مرتکب عملیاتی خارج از

حدود وظایف و اختیارات قانونی خود برای

بکار بردن وجوه نقد یا اوراق بهادار متعلق به دولت که در اختیار مرتکب می‌باشد ابراز نماید

مانند این که یکی از رانندگان فلان اداره دولتی به طور غیرمجاز با کامیون دولتی مبادرت به حمل بار نماید و یا این که رئیس حسابداری یکی از دانشگاه‌های دولتی از محل اعتبار استخدام اعضاء هیات علمی که در بودجه پیش‌بینی شده است به طور غیرمجاز مبادرت به خرید چند دستگاه اتوبوس برای سرویس ایاب و ذهاب اساتید آن دانشگاه بنماید .

ثانیاً □ موضوع جرم موضوع جرم تصرف غیرقانونی مانند اختلاس ممکن است به صورت وجه نقد یا مطالباتی که به منزله نقدینه می‌باشد مانند چک‌های درگرددش بانکی یا اوراق و حواله‌های بهادار بانکی یا اشیاء و لوازم منقول اداری که عموماً از بودجه عمومی کشور تهیه و در اختیار اداره یا مؤسسه دولتی قرار می‌گیرد اما باید دانست که موضوع تصرف غیرقانونی بر خلاف اختلاس شامل اموال یا وجوه یا اسناد و اوراق بهادار متعلق به اشخاص که بر حسب وظیفه به مأمورین دولتی سپرده می‌شود نخواهد شد .

ثالثاً □ وجوه یا اموال دولتی باید در اختیار مأمور قرار گرفته باشد یکی دیگر از شرایط تحقق عنصر مادی جرم تصرف غیرقانونی این است که وجوه یا اسناد یا اموال یا سایر اشیاء متعلق به دولت ، بر اساس روش جاری ناشی از رابطه استخدامی در اختیار کارمند قرار گرفته باشد و یا این که به او سپرده شده باشد و کارمند دولت آن را به طور غیرمجاز مورد استفاده قرار داده باشد تا بتوان آن را مشمول حکم ماده ۵۹۸ شناخت.

۲- عنصر روانی جرم : جرم تصرف غیرقانونی در زمره جرائم عمدی است اما بر خلاف اختلاس مقید به حصول منفعت برای مرتکب جرم یا دیگری نیست بلکه عنصر روانی آن با احراز عمد عام مرتکب مبنی بر علم و معرفت او به غیرمجاز بودن عملی که انجام داده است تحقق پیدا می‌کند و اصولاً در تصرف غیرقانونی انتفاع مرتکب شرط نیست و تصریح قانونگذار در عبارات قسمت اخیر ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات مبنی بر این که (مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا

دیگری داشته باشد تصرف قانونی محسوب می‌شود) مؤید این برداشت می‌باشد. اجرت‌المثل، به جزای نقدی معادل مبلغی که منتفع شده است، خواهد شد.

۳- مجازات : ۴- معادله نمایش عناصر اختصاصی جرم :

مجازات جرم تصرف غیرقانونی موضوع ماده ۵۹۸ به قرار ذیل است .
اولاً □ در صورتی که مرتکب جرم از عملیات غیرمجاز خود منتفع نشده باشد مجازات او علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل، به شلاق تا ۷۴ ضربه خواهد بود .
ثانیاً □ چنانچه مجرم از عملیات خود منتفع شده باشد در این صورت، علاوه بر مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و جبران خسارت وارده و پرداخت

با توجه به آنچه که تاکنون پیرامون خصوصیات خاص جرم تصرف غیرقانونی گفته شد اینک برای سهولت درک ماهیت حقوق و مختصات این جرم، با استفاده و جمع‌بندی عناوین و زیرمجموعه‌هایی که برای تحلیل جرم تصرف غیرقانونی اختیار شده است، می‌توان عناصر اختصاصی این جرم را به صورت معادله زیر نمایش داد .

عناصر اختصاصی جرم
تصرف غیرقانونی

به مصرف رساندن وجوه یا
اسناد یا اموال دولتی توسط
کارمند دولت

احراز علم مرتکب به
غیر مجاز بودن عمل
ارتكابی

۴-۵- تدلیس جزائی:

تدلیس در لغت به معنی فریب‌دادن و پوشانیدن

عیب چیزی گویند و از جمله عناوین و اصطلاحی است که در فقه و حقوق مدنی و حقوق جزا استعمال می‌شود و کاربرد دارد مفهوم تدلیس در حقوق مدنی که متأثر از فقه می‌باشد به موجب ماده ۴۳۸، قانونی مدنی، عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود.

در مسائل جزائی با این که قانونگذار مانند حقوق مدنی تدلیس را تعریف نکرده است. مع‌هذا در بررسی مندرجات ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و همین‌طور در ماده ۷۷ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ که ناسخ ضمنی ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی بود و همین‌طور در ماده ۵۹۹ از فصل سیزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی زیر عنوان (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) سال ۱۳۷۵ که صریحاً ماده ۷۷ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ را نسخ کرده است، قانونگذار عنوان تدلیس را بکار برده است بدون این که مانند تدوین‌کنندگان قانونی مدنی، آن را تعریف کند با وجود این آنچه از عبارات مندرج در این ماده به دست می‌آید این است قانونگذار جزائی نیز تدلیس را به معنی عملیات فریب دهنده مرتکب جرم به منظور تحصیل نفعی برای خود یا دیگری و ضرر رسانیدن به بیت‌المال و دولت و از باب اغفال بکار برده است زیرا در ماده ۵۹۹ می‌خوانیم:

هر شخصی که عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است و به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. بنابر مندرجات ماده فوق‌الاشعار عناصر اختصاصی جرم تدلیس به قرار ذیل است.

عنصر مادی:

۱- جرم از نظر مرتکب جرم:

قانونگذار برای معرفی و شناسائی مرتکب جرم در ماده فوق‌الاشعار از کلمه (هر شخص) استفاده کرده است ولی قید (عهده‌دار انجام

معامله □ برای هر یک از ادارات و □ (شمول حکم را محدود به اشخاصی می‌نماید که بر حسب مقررات اداری یا استخدامی و یا بر طبق قرارداد خاص ، عهده‌دار معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در معامله برای یکی از ادارات و سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده مرتکب تدلیس در معامله بشود و با توجه به سازمانها و ادارات مذکور در ماده ۵۹۸ حکم ماده ناظر به مأمور دولت می‌شود اما نوع رابطه استخدامی شرط نیست زیرا یک کارمند رسمی دولت همانقدر می‌تواند دست به ارتکاب این جرم بزند که یک کارمند پیمانی یا روزمزد یا خرید خدمت ، یا هر مأمور موظف دیگری ، که عهده‌دار معامله برای یکی از سازمانهای دولتی گردد تا عملیات متقلبانه فریب دهنده را به ضرر دولت به انجام برساند.

۲- طرق ارتکاب جرم :

مرتکب جرم باید عملیات متقلبانه فریب دهنده مثبتی را در قالب یکی از فعالیت‌های زیر به انجام برساند:

(۱)- در مقدار جنس یا کالائی که عهده‌دار معامله آن است از حیث تعیین مقدار تقلب می‌کند مانند این که ده تن حبوبات را به جای بیست تن به حساب می‌آورد.

(۲)- مرتکب جرم ممکن است با توسل به حيله و نیرنگ عملیاتی را در جهت وصف آنچه را که او عهده‌دار معامله یا نظارت بر آن است به انجام برساند مثل این که زمین یا ملک آباد و یا درآمدی متعلق به سازمان را متقلبانه به عنوان ملک کم درآمد و پرخرج مورد معامله قرار دهد . ضمناً عملیات متقلبانه فریب دهنده مرتکب جرم ، چنانچه به صورت استعمال بهاء یا خرید یا فروش یا مناقصه یا مزایده تحقق پیدا کند مشمول حکم ماده خواهد بود.

۳- موضوع جرم تدلیس :

حکم تدلیس در ماده فوق‌الاشعار شامل هر نوع عملیات فریب دهنده مرتکب نسبت به کلیه اموال یا اشیاء منقول یا غیرمنقول خواهد شد .

عنصر روانی جرم :

جرم تدلیس از جرائم عمدی مقید است . بنابراین برای تحقق عنصر روانی آن لازم است که شخصی که عهده‌دار انجام معامله برای یکی از ادارات دولتی می‌باشد آگاهانه و با علم به اینکه می‌داند که عملیات فریبکارانه‌ای

که به آن متوسل می‌شود از نظر قوانین جزائی ممنوع و جرم است و این اندازه اقدام او را اصولاً (عمد عام) می‌دانیم به علاوه باید بر اثر اقدامات متقلبانه‌ای نفعی عاید او یا دیگری بشود و چنین اقدامی مسلماً به ضرر و زیان اداره یا مؤسسه‌ای که به سرمایه عمومی اداره می‌شود منتهی خواهد شد که از آن به عنوان (عمد خاص) یاد می‌شود.

بدین ترتیب و به سخن کوتاه عنصر روانی تدلیس مشتمل بر عمد عام مرتکب ناظر به علم او به ممنوعیت عملی است که به انجام می‌رساند و همچنین حصول نفع مرتکب یا دیگری که باعث ورود خسارت به اداره مربوطه می‌شود که تشکیل دهنده عمد خاص این جرم است.

اما باید دانست چنانکه بر اثر اشتباه و یا بی‌اطلاعی مرتکب و بدون سوءنیت او در معامله‌ای که آن شخص مأموریت انجام آن را داشته است ضرری متوجه اداره مربوطه گردد، در این صورت عمل مرتکب به علت فقدان عنصر روانی جرم موجب مسئولیت

کیفری مرتکب بر طبق ماده فوق‌الاشعار نخواهد شد.

از طرف دیگر این نکته را نباید فراموش نمود، هر گاه بر اثر عملیات متقلبانه شخصی که عهده‌دار انجام امری برای اداره دولتی بوده و در این راه شخص حقیقی یا حقوقی طرف معامله را فریب داده و مغرور کند و به ضرر او تمام شود در آن صورت کسی که بر اثر عملیات متقلبانه مأمور دولتی در معامله فریب خورده است می‌تواند به عنوان کلاهبرداری علیه آن شخص شکایت کند و او را تحت تعقیب کیفری قرار دهد.

۱- مجازات و حیثیت جرم

کیفر مرتکب جرم تدلیس با توجه به ماده ۵۹۹ قانون تعزیرات علاوه بر جبران خسارت وارده به سازمان مربوط حبس از شش ماه تا پنج سال خواهد بود.

۲- معادله نمایش عناصر اختصاصی جرم

با توجه به مطالب و نکاتی که در توضیح خصوصیات جرم تدلیس جزائی گفته شد اینک برای درک بهتر ماهیت حقوقی این جرم با جمع‌بندی نقطه‌نظرهای ذکر شده در این گفتار،

عناصر اختصاصی آن را به صورت معادله

زیر نمایش می‌دهیم.

عناصر اختصاصی جرم تدلیس جزائی	انجام عملیات متقلبانه‌ای در قالب یکی از رفتارهای مذکور در ماده 599	احراز قصد مرتکب ناظر به علم او دایر بر ممنوعیت عمل ارتكابی	بهره‌مند شدن مرتکب مرتکب یادگیری و ضرر رسانیدن به دولت
----------------------------------	--------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------

۵-۵- اخذ پورسانت :

گرفته بود . متأسفانه برخی از این مامورین در

عنوان پورسانت از جمله عناوین و اصطلاحات
مجرمانه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد
فرهنگ حقوقی کشور ما شده است .
فلسفه وضع قانون ممنوعیت پورسانت و
مجرمانه تلقی شدن آن از طرف مجلس شورای
اسلامی در سال ۱۳۷۲ ، به دلیل کشف سوء
استفاده‌های کلان برخی از مامورین و اعضاء
وزارتخانه‌ها ، نیروهای مسلح ، نهادهای
انقلابی ، و شرکت‌های دولتی در انجام
ماموریت‌های برون مرزی و در جریان انجام
معاملات خارجی ، در زمان جنگ تحمیلی و
حصار اقتصادی کشور ، با شرکت‌های خارجی
برای تأمین نیازمندیهای مختلف کشور اعم از
نظامی ، بازرگانی ، صنعتی و غیره صورت
انجام ماموریت‌های برون مرزی و در جریان انجام
معاملات خارجی ، در زمان جنگ تحمیلی و
حصار اقتصادی کشور ، با شرکت‌های خارجی
برای تأمین نیازمندیهای مختلف کشور اعم از
نظامی ، بازرگانی ، صنعتی و غیره صورت
گرفته بود . متأسفانه برخی از این مامورین در
انجام ماموریت محوله بر خلاف خصلت
امانت‌داری کارمندان دولت و بدون رعایت
صرفه و صلاح کشور با تبانی با شرکت
فروشنده کالا یا وسایل و غیره ، پس از انجام
معامله (که غالباً به بیش از قیمت معمولی روز
صورت گرفته بود) درصدی از کل قیمت
معامله ، توسط مدیرعامل شرکت فروشنده ، به
صورت وجه نقد یا مال یا سند پرداخت وجه به
مأمور خرید به طور مستقیم یا غیرمستقیم
برگشت داده شده بود .
چون آمار این قبیل سوء استفاده‌های برخی از
مأمورین دولتی در انجام معاملات خارجی بعد
از اتمام جنگ تحمیلی به نحو چشم‌گیری کشف
و آشکار ، و موجب نگرانی شده بود . لذا

قانونگذار به ناچار برای مقابله با این قبیل
 مامورین و جلوگیری از ارتکاب آن در آینده با
 وضع و تصویب ماده واحده خاصی مشتمل بر
 یک ماده و سه تبصره، ممنوعیت اخذ
 پورسانت را مجرمانه و قابل مجازات قرار داده
 است که به اختصار خصوصیات این جرم را
 مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

جرم اخذ پورسانت در ماده واحده مصوب
 تیرماه ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی که در
 تاریخ مرداد ماه همین سال به تأیید شورای
 نگهبان رسیده است بدین نحو مورد حکم قرار
 گرفته است.

قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال،
 سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان
 به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با
 معاملات خارجی، قوای سه گانه، سازمانها،
 شرکتها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح،
 نهادهای انقلابی، شهرداریها و کلیه تشکیلات
 وابسته به آنها ممنوع است. مرتکب علاوه بر
 ردپورسانت یا معادل آن به دولت به حبس
 تعزیری از ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی برابر
 پورسانت محکوم می‌گردد.

نکات قابل ذکر در خصوص این جرم به قرار
 ذیل است.

۱- تعریف پورسانت:
 در ماده واحده تعریفی از جرم پورسانت به
 عمل نیامده است. اما با توجه به معنی لغوی
 آن در زبان انگلیسی به معنی، پرداخت کردن
 درصدی از مبلغ قیمت خرید کالا توسط
 فروشنده به خریدار، اینک با توجه به این
 تعریف و در نظر گرفتن شرایط موردنظر
 قانونگذار در ماده واحده من حیث شخصیت
 مرتکب جرم و طرف معامله، در اصطلاح
 حقوقی جرم اخذ پورسانت را بدین نحو
 می‌توان تعریف می‌نمود:

جرم پورسانت عبارت است از پرداخت کردن
 درصدی از مبلغ قیمت کالا یا وسائل، در
 جریان انجام معامله با شرکت خارجی، توسط
 فروشنده به صورت وجه نقد یا مال یا سند
 پرداخت وجه به یکی از مامورین دولتی به
 طور مستقیم یا غیرمستقیم.

۲- مختصات جرم پورسانت:
 با توجه به تعریف و اجزاء تشکیل دهنده خاص
 این جرم به قرار ذیل است.

اولاً □ از نظر موضوع جرم :
 موضوع پورسانت ممکن است به صورت وجه نقد یا تسلیم مال یا سند پرداخت وجه به طور مستقیم صورت گیرد مانند این که فروشنده آن مبلغ وجه را به شخص طرف معامله به صورت نقدی و یا این که به طور غیرمستقیم با تبانی و جلب موافقت خریدار به حساب بانکی او واریز می‌نماید و یا این که توسط ثالثی که خریدار به فروشنده قبلاً معرفی کرده است می‌پردازد مثل فرزند یا همسر مأمور خرید و نظایر اینها .

موضوع پورسانت مانند ارتشاء عبارت است از وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مأمور دولت پرداخت می‌گردد.

ثانیاً □ از نظر موضوع :
 موضوع پورسانت مانند ارتشاء عبارت است از وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مأمور دولت پرداخت می‌گردد.

ثالثاً □ از نظر مجازات شروع به جرم :
 مجازات پورسانت مانند شروع به ارتشاء حداقل مجازات مقرر برای جرم پورسانت و ارتشاء است .

۴- وجوه افتراق پورسانت با ارتشاء :
 اولاً □ از نظر نحوه ارتکاب جرم :
 جرم پورسانت در قبال انجام معامله با شرکت خارجی از طرف کارمندی که ماموریت انجام

مأمور خرید و طرف قرار داد معامله با تبانی و مواضعه با فروشنده دریافت وجه یا سند پرداخت موافقت نموده باشد و طرف قرارداد نیز وجه موردنظر را به حساب او واریز یا تحویل داده باشد.

۳- وجوه اشتراک پورسانت با جرم ارتشاء :

معامله به وی محول شده است صورت
می‌گیرد در حالی که در ارتشاء کارمند دولت
در قبال انجام یا عدم انجام امری که مربوط به
وظیفه او یا یکی دیگر از سازمانهای دولتی
است پرداخت می‌گردد.

ثانیاً □ از نظر طرف جرم :
در ارتشاء راشی غالباً از افراد خودی و اتباع
کشور است اعم از این که فرد عادی یا کارمند
دولت باشد در حالی که در پورسانت طرف
قرارداد یا فروشنده ممکن است خارجی باشد
در نتیجه دامنه و قلمرو و شمول ارتشاء به
مراتب وسیع‌تر از جرم پورسانت است .

ثالثاً □ از نظر عنصر قانونی:
بین احکام ناظر به ارتشاء اعم از ارتشاء عام و
صور خاص آن با پورسانت فرقهایی هست .
زیرا ارتشاء بر حسب مورد مشمول احکام
۵۸۸ تا ۵۹۴ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ و
همین‌طور حکم خاص ماده ۳ و ۴ قانون تشدید
مجازات مرتکبین ارتشاء ، اختلاس و
کلاهبرداری است در حالی که عنصر قانونی
پورسانت همان ماده واحده موصوف و
تبصره‌های آن است .

و از نظر مجازات ، مرتکب جرم پورسانت به
موجب تبصره ۲ از ماده واحده موصوف
چنانکه مرتکب تا قبل از تاریخ اجرای ماده
واحده در سال ۱۳۷۲ ، آنچه را که به عنوان
پورسانت از مورخه ۱۳۵۸/۱/۱ دریافت کرده
اصل یا معادل آن را به قیمت روز به دولت
بپردازد ، به مجازات حبس تعزیری ۲ تا ۵ سال
و جزای نقدی معادل پورسانت محکوم نخواهد
شد . به سخن دیگر قانونگذار برای جبران
خسارتی که از طریق جرم اخذ پورسانت به
بیت‌المال و سرمایه‌ها وارد شده است استثنائاً
قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات
خارجی از حیث رد پورسانت یا معادل آن به
دولت را از تاریخ تصویب ماده واحده نسبت به
سوء استفاده مأموران دولتی در رابطه با
معاملات خارجی و پورسانتی که از تاریخ
۱۳۵۸/۱/۱ قبول کرده‌اند ، عطف بماسبق نموده
است. ولی در مورد مأمورینی که بعد از تاریخ
تصویب و اجرای ماده واحده موصوف مرتکب
جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی
می‌شوند علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن
به دولت به مجازات حبس تعزیری از ۲ تا ۵

سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم خواهند شد در حالی که در مورد مرتکبین جرم ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری بر حسب مورد علاوه بر حبس تعزیری و جزای نقدی انفصال دائم یا موقت نیز مورد حکم قرار خواهد گرفت.

به علاوه به موجب تبصره ۳ ماده واحده موصوف در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله که پورسانت را به مأمور می‌پردازد موضوع را به اطلاع مسئول دستگاه ذیربط رسانده باشد و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز گردد در این صورت اقدام کننده مشمول حکم ماده واحده از نظر مجازاتهای مقرر در آن نخواهد شد.

۵-۶- مداخله ناروای دست‌اندرکاران و کارمندان در معاملات دولتی بعد از تصویب و اجرای قانون اخذ پورسانت، مجلس شورای اسلامی، به منظور مقابله و جلوگیری از سوءاستفاده دست‌اندرکاران برای منظور کردن نفعی برای خود یا دیگری در معاملات دولتی، در ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات

سال ۱۳۷۵، یکی دیگر از جرائم مالی علیه دولت پیرامون ارتشاء را بدین نحو قابل مجازات شناخته است.

هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون، یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون ماموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا

افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد . نکات قابل ذکر در خصوص ماده فوق‌الذکر به قرار زیر است .

۱- از نظر ماهوی :

خصیصه بارز این جرم نیز مانند تصرف غیرقانونی همانا خیانتی است که یکی از دست‌اندرکاران ادارات و سازمانهای مذکور در (۵۹۸) قانون تعزیرات در قبال وظایف محوله نسبت به دولت مرتکب می‌شود . اول باید

دانست که مختصات آن با سایر تعذیبات مأمورین دولتی نسبت به دولت متفاوت است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم .

۲- عنصر مادی جرم و اجزاء آن :

اولاً □ نحوه ارتکاب جرم : رفتار فیزیکی خارجی و مثبت مرتکب به صورت منظور کردن نفعی برای خود یا دیگری ، در قبال انجام معاملات دولتی بالمباشره و مستقیم و یا مع‌الواسطه و غیرمستقیم تحقق پیدا می‌کند . ثانیاً □ شخصیت مرتکب جرم :

مرتکبین این جرم نه تنها شامل آن دسته از کارمندان و اشخاصی است که به طور رسمی و وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه یا یکی از ادارات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت را دارند بلکه شامل سایر افرادی که بدون داشتن رابطه استخدامی ، به طور موقت با یکی از وزارتخانه‌ها به دستور رئیس دولت عهده‌دار سرپرستی یا مأموریت مذاکره و انجام معاملات دولتی به آنها محول می‌شود نیز خواهد شد .

۳- عنصر روانی جرم :

جرم موضوع ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات از جرائم عمدی مقید است و برای تحقق آن لازم است که قصد خیانت مرتکب دایر بر این که

آگاهانه و بر خلاف وظیفه امانت‌داری دست به

اقدامی زده است که از نظر قانون جرم است از

طرف دادگاه احراز گردد مضافاً به این که در

انجام یک چنین معامله‌ای با تحصیل پورسانت

یا حق‌العمل یا پاداش و غیره نفعی را برای

خود یا دیگری منظور و تحصیل کرده باشد و

موجبات ضرر و زیان دولت را فراهم نماید.

یا به سخن کوتاه عنصر روانی جرم مشتمل بر احراز عمد عام ناظر به قصد سوء مرتکب به عمل خیانت آمیز خود و همچنین عمد خاص، یعنی تحصیل و به دست آوردن نفعی برای خود یا دیگری است .

۵- معادله نمایش عناصر اختصاصی جرم :

بنا بر آنچه که تاکنون پیرامون مختصات جرم

ممنوعیت منظور کردن پورسانت توسط

دست‌اندرکاران در معاملات دولتی گفته شد .

اینک برای درک بهتر ماهیت حقوقی این جرم با

استفاده از نکاتی که ذکر شد می‌توان عناصر

اختصاصی آن را به صورت معادله زیر

نمایش داد

۴- مجازات :

مجازات جرم موضوع ماده ۶۰۳ بر خلاف

سایر تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت

در درجه اول تأدیه دو برابر وجوه و منافع

حاصله‌ای است که مورد سوء استفاده قرار

گرفته است . ولی هر گاه عملیات مجرمانه

مرتکب موجب تغییراتی در مقدار یا کیفیت

مورد معامله یا باعث افزایش قیمت تمام شده

عناصر اختصاصی جرم
موضوع ماده 603

انجام معامله دولتی
بالمباشره یا به واسطه
از ناحیه مامور

احراز قصد خیانت ناظر
به علم مرتکب به جرم
بودن عمل ارتكابی

منظور کردن نفعی برای
خود یا دیگری و به
ضرر دولت

با توسل به وسایل متقلبانه اموال دیگران را

ببرد کلاهبردار است .

بعنوان نمونه به چند مورد از مصادیق

کلاهبردار اشاره می‌شود.

۷-۵- کلاهبرداری

کلاهبرداری ، بردن مال غیر با توسل و

تثبیت به وسایل متقلبانه است ، هر کسی که

- الف □ طلب‌کاری که طلب خود را از بدهکار وصول کرده باشد و بعداً ورقه لازم‌الاجرا بر اخذ دوباره وجه دریافت شده صادر نماید کلاهبردار است .
- ب □ افرادی که با یکدیگر تبانی نموده تا برای بردن مال غیر اقامه دعوی نمایند عمل آنها به مثابه تشبیت به وسایل متقلبانه بوده و کلاهبرداری محسوب می‌گردند.
- ج □ افرادی که بعنوان شخص ثالث وارد دعوایی می‌شوند و یا به عنوان شخص ثالث به حکمی اعتراض و یا نسبت به محکوم‌به حکمی مستقیماً طرح دعوی می‌نمایند و عمل آنها در اثر تبانی با یکی از طرفین دعوی به منظور بردن مال طرف دیگر می‌باشد کلاهبردار تلقی می‌شوند .
- د □ رمالی که دیگری را به عنوان رمل انداختن جهت پیدا کردن اموال گمشده‌اش سرکیسه کند کلاهبردار است .
- هـ - افرادی که خود را خلاف واقع مامور دولت معرفی و از این طریق وجوهی من غیر حق از آنها ببرد کلاهبردار می‌باشد.
- و □ هر کس که مال غیر را به عوض مال خود به خریدار معرفی نموده و بفروشد و از این طریق وجهی تحصیل نماید کلاهبردار است .
- ز □ هر کس با حیله و تقلب اموال دیگران را به دیگری انتقال دهد و از این راه مالی یا وجوهی را ببرد از مصادیق کلاهبرداری است .
- ح □ دلال یا بنگاهداری که زمین مرغوبی را در عوض زمین فروشنده به خریدار نشان داده و پس از انجام معامله مبلغی بابت حق دلالی از فروشنده بگیرد کلاهبردار است .
- ط □ اگر کسی جزو ورثه نبوده و با علم به عدم وراثت تحصیل تصدیق گواهی انحصار وراثت نماید کلاهبردار است.
- ی □ اگر کسی جزو ورثه نبوده و با علم به وجود وراثت دیگر غیر از خود تحصیل تصدیق گواهی انحصار وراثت بر خلاف واقع نموده باشد کلاهبردار محسوب است .
- ک □ هر کس که برای بردن مال دیگران به حیله و تقلب خود را ورشکسته نماید کلاهبردار است .

ل طبق قانون تجارت مؤسسين و مديرانى

که بر خلاف حقيقت پرداخت کليه

سهام الشريکه نقدى و تقويم سهام غيرنقدى را

در موقع ثبت به اداره ثبت شرکتهها اظهار

داشته‌اند و مديرانى که منافع موهوم و

غيرواقعى بين شرکاء تقسيم کرده‌اند و

جرم کلاهبردارى داراى سه عنصر قانونى ،

مادى و معنوى يا روانى است .

عنصر قانونى:

به موجب منطوق صريح ماده ۲ ق.م.ا.هـ

فعل يا ترک فعلى که در قانون براى آن

مجازات تعيين شده باشد جرم محسوب

مى‌شود .

مطابق ماده يك ق.ث.م.م.ا.ا.ک مصوب

۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخيص مصلحت نظام ، که

مقرر مى‌دارد :

« هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود

شرکتهها يا تجارتخانهها يا کارخانهها يا

مؤسسات موهوم يا به داشتن اموال و

اختيارات واهى فريب دهد يا به امور غيرواقع

اميدوار نمايد يا از حوادث و پيش‌آمدهاى

غيرواقع بترساند و يا اسم و يا عنوان مجعول

اشخاص که سهام‌الشريکه غيرنقدى را بطريق

متقلبانه بيش از قيمت واقعى تقويم نموده‌اند

همگى کلاهبردارند .

همچنين کسانى که مرتکب موارد مصرح در

مواد ۱۰۵ الی ۱۰۹ و ۱۱۴ الی ۱۱۶ قانون ثبت

گردند کلاهبردار محسوب مى‌شوند .

اختيار کند و به يکى از وسايل مذکور و يا

وسايل تقلبى ديگر وجوه و يا اموال يا اسناد يا

حوالجات يا قبوض يا مفاصا حساب و امثال

آنها تحصيل کرده و از اين راه مال ديگرى را

ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل

مال به صاحبش ، به حبس از يک تا ۷ سال و

پرداخت جزاى نقدى معادل مالى که اخذ کرده

است محکوم مى‌شود.

در صورتى که شخص مرتکب بر خلاف واقع

عنوان يا سمت ماموريت از طرف سازمانها و

مؤسسات دولتى يا وابسته به دولت يا

شرکتهای دولتى يا شوراها يا شهردارىها يا

نهادهای انقلابى و بطور کلى قواى سه‌گانه و

همچنين نيروهای مسلح و نهادها و مؤسسات

مأمور به خدمت عمومى اتخاذ کرده يا اينکه

جرم با استفاده از تبليغ عامه از طريق وسايل

ارتباط جمعی از قبیل رادیو ، تلویزیون ، انسانی در همه اقشار باعث وضع این قانون روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و یا بطور کلی از قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود».

ماده فوق الاشعار از نظر مفاد و عناصر تشکیل دهنده جرم مادی و معنوی و شرایط تحقق جرم همانند ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات و یا ماده ۲۳۸ ق.م.ع سابق می‌باشد. هر دو ماده منسوخه مارالذکر از نظر قلمرو و توسعه افراد موضوع ماده یک به وسعت این ماده نبودند و در خصوص افراد نظامی و ماموران انتظامی و □ سکوت داشتند. بدون شک ملاحظه توسعه جرم کلاهبرداری در جامعه

انسانی در همه اقشار باعث وضع این قانون گردیده است.

ماده یک و تبصره‌های آن ، ماده چهار و هفت و هشت قانون تشدید مجازات « ق.ت.م.م.م.ا.ک. » . قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیرتبانی می‌کنند مصوب سال ۱۳۰۷ قانون مجازات راجع به انتقال مالی غیر مصوب ۱۳۰۸ ، و قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌کنند مصوب ۱۳۰۸ ، ماده ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹ ، مواد ۱۱۵ و ۲۴۹ و □ قانون تجارت و □ همگی به عنصر قانونی جرم کلاهبرداری اشاره دارند.

عنصر مادی:

در خصوص عنصر مادی ، به محض اینکه کلاهبردار با اغفال طرف جرم وجوه ، اسناد مفاصا حساب یا اموال او ا ببرد و ضرر متحقق گردد عنصر مادی جرم تحقق یافته است .

عنصر معنوی:

عنصر معنوی یا روانی جرم کلاهبرداری همانند سایر جرایم به قصد و نیت و اراده

طرفین برمی‌گردد و عبارت از این است که
 کلاهبردار عالماً عامداً، آگاهانه متوسل به
 وسایل تقلبی جهت فریب طرف جرم گردد .
 قصد و اراده مجرم به تنهایی کافی نیست بلکه
 می‌بایست مجنی علیه نسبت به اعمال متقلبانه
 او جاهل باشد . در این صورت عنصر روانی
 تحقق می‌یابد .
 علاوه بر سه عنصر فوق‌الذکر، نکته‌ای که ذکر
 آن لازم بنظر می‌رسد این است که وجود رابطه
 علیت بین مانورهای متقلبانه و صحنه‌سازی
 مجرم و اشتباه طرف جرم در تسلیم مالش به
 کلاهبردار ضروری است .
 یکی از مسائل بسیار مهمی که در تشخیص و
 احراز و انطباق موضوع با جرم کلاهبرداری
 باید مورد تدقیق و توجه قرار گیرد ، وجه
 تمایز آن با سایر جرایم و مسائل مدنی است .
 وجه تمایز کلاهبرداری از خیانت در امانت
 عبارت از این است که کلاهبرداری در اثر
 مانورهای متقلبانه و اغوا و اغفال طرف جرم
 صورت می‌گیرد در حالی که در خیانت در
 امانت صاحب مال ، با رضایت خود مال را در
 اختیار امین قرار می‌دهد بدون اینکه امین به
 شیوه متقلبانه‌ای متوسل شده باشد . به عبارت
 دیگر بدون پیش‌بینی ، تمهیدات از ناحیه امین
 است .
صدر چک بلامحل:
 یکی از جرایمی که همواره در کنار کلاهبرداری
 مطرح بوده صدور چک بلامحل بوده است . در
 قانون مجازات عمومی چک بلامحل از مصادیق
 کلاهبرداری تلقی شده و بر اساس ماده ۲۳۸
 ق.م.ع . سابق مجازات تعیین می‌گردید ، تا
 اینکه بعداً برای چک قانون ویژه‌ای تصویب
 گردید .
 متأسفانه قانون چک سال ۱۳۵۵ لطمات زیادی
 به اعتبار چک و اعتماد به آن وارد نمود چرا
 که موارد متعددی در مواد آن وجود داشت که
 صدور چک بلامحل جرم تلقی نمی‌شد و همانند
 یک سفته و یا مدرک دیگری مشمول احکام
 حقوقی می‌گردید .
 به همین علت کلاهبرداران حرفه‌ای که همواره
 بدنبال نقاط ضعف جامعه و مسائل قانونی آن
 می‌گردند با توسل به صدور چک بلامحل اقدام
 به بردن اموال مردم نمودند بطوری که
 پرونده‌های فراوانی تشکیل می‌گردید که بیش

از دویست شاکی داشتند و کلاهبردار با توسل به چک اقدام به ربودن مالشان نموده بود . این بحث و تعارض و تهاافت در استنباط از قانون نه تنها در محاکم که به شعب دیوان نیز کشیده شد . بعضی معتقد بودند که چک قانون خاصی دارد و مشمول ماده یک قانون تشدید م . م . ا . ا . ک نمی‌شود و بالعکس . تا اینکه سرانجام رای وحدت رویه‌ای صادر شد که صدور چک بلامحل تابع قانون خاص خودش می‌باشد . جای خوشوقتی است که قانون اصلاحات چک در سال ۱۳۷۱ نواقص قانون چک مصوب ۱۳۵۵ را تا حدی رفع نمود و حیثیت از دست رفته چک را به آن بازگرداند . موضوعی که قابل تأمل و تعمق به نظر می‌رسد این که اگر شخصی به علی حساب بانکی او از طرف بانک مسدود و کان لم یکن تلقی گردید و شخص هنوز دسته چکهایی از آن حساب مسدود را در اختیار داشت و عالماً ، عاصماً اقدام به صدور چک بلامحل نموده و مال دیگران را به ناحق برد درست است که قانون می‌گوید این مشمول قانون چک است و مشمول کلاهبرداری نمی‌شود . باید دید آیا این ماده قانون با واقعیت سازگاری دارد یا نه ؟ چک به این اعتبار چک تلقی می‌شود که در رابطه با حساب بانکی و اعتباری که بانک برای صاحب حساب قائل شده است و آن را در اختیار شخص قرار داده ، مورد استفاده قرار گیرد لکن زمانی که حساب بانکی وجود خارجی ندارد و شخص این اوراق بلااعتبار را نزد خود مخفی نموده و به بانک مسترد نداشته و آنها را وسیله بردن مال دیگران قرار می‌دهد ، این عمل عین مانور متقلبانه است . وقتی چک صادر می‌شود ، اصولاً حساب جاری وجود خارجی نداشته و امری موهوم است و مجنی علیه به اعتبار امر موهومی مال خود را در اختیار مجرم قرار داده است . بنظر می‌رسد که این مورد خاص از مصادیق بارز کلاهبرداری است و مقنن در این خصوص شایسته است چاره‌ای بیندیشد . وجه تمایز کلاهبرداری با مسائل مدنی نیز از موضوعاتی است که می‌بایست به آن اشاره گردد . صرف گرفتن وجه از کسی واجد جنبه کیفری تلقی نمی‌گردد . بعنوان مثال شخصی بعنوان وعده بیع از کسی مبلغ دریافت نموده

است ، اگر ملک مورد وعده معامله در عالم خارج وجود داشته باشد این مساله واجد جنبه کیفری نبوده و از مصادیق کلاهبرداری تلقی نمی‌شود لکن چنانچه ملک موصوفه در عالم واقع موجود نبوده و موهوم باشد از مصادیق کلاهبرداری است .

مثال دیگر در خصوص تمایز کلاهبرداری با یک معامله فضولی است : شخصی در ملکی با همسرش بالمناصفه شریکند . شوهر بدون اطلاع همسرش که شریکش هم می‌باشد اقدام به فروش ملک به خریدار می‌نماید . اگر شوهر به خریدار گفته باشد که سه دانگ این ملک متعلق به همسرم می‌باشد و من رضایتش را فراهم می‌کنم و خریدار با علم به اینکه سه دانگ ملک دیگری است وجهی بابت ثمن پرداخت کند این معامله فضولی است و فروش مال غیرمشمول حکم کلاهبرداری نیست لکن اگر شوهر موضوع را از خریدار کتمان نموده باشد و خریدار جاهل به موضوع مالش را در اختیار فروشنده گذاشته باشد این موضوع فروش مال غیرتلقی و از مصادیق کلاهبرداری تلقی می‌شود .

شروعیت به جرم کلاهبرداری مطابق تبصره ۲ ماده یک ق . ت . م . م . ا . ک حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

در خصوص تکرار و تعدد جرم در موضوع کلاهبرداری بدین ترتیب است که اگر جرایم ارتكابی همه از یک نوع باشند بعنوان مثال همه کلاهبرداری تلقی شوند و در مورد آنها حکمی صادر نشده باشد طبق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی باعث تشدید مجازات شده ولی یک مجازات داده می‌شود. اگر تکرار بصورتی باشد که مجرم قبلاً به اتهام ارتکاب همان جرم به مجازات قطعی محکوم و حکم اجرا شده باشد تکرار باعث تشدید مجازات او می‌شود.

در مورد تعدد جرم ، در حالی صادق است که جرایم ارتكابی از یک نوع نباشند . بعنوان مثال هم جعل کرده و هم کلاهبرداری ، در این صورت طبق ماده ۴۷ ق . م . م . ا . م قاعده جمع مجازاتها در خصوص وی اعمال می‌شود یعنی

به هر جرمی جداگانه رسیدگی و مجازات قانونی آن مشخص می‌گردد و در نهایت همه مجازات‌ها با هم جمع شده و اجرا می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های قانون خصوصیت بازدارندگی آن می‌باشد که با تهدید مجرمین به مجازات شدیدتر آنها را از ارتکاب به آن جرم باز می‌دارد. موقعی که قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری تصویب گردید آمار وقوع جرم کلاهبرداری در ایران در نقطه اوج خود قرار داشت و به حق هم قانونگذار ضمن تشدید آن اجازه نداد تا کلاهبرداران حرفه‌ای با فراغت خاطر پس از گذراندن دوره‌ای کوتاه، مشغول به یغما بردن آنچه از اموال دیگران برده بودند بشوند و هیات عمومی دیوان عالی کشور این وجدان بیدار و هشیار قوه قضاییه پا را فراتر نهاده و با صدور رای وحدت رویه قضایی شماره ۵۲-۱۳۶۳/۱۱/۱ کلاهبرداری را از جرایم غیرقابل گذشت بشمار آورد و عمومی شدن این جرم باعث گردید تا دادستان آن روز و رئیس حوزه قضایی فعلی، بعنوان مدعی العموم به کمک زیاندیدگان از این جرم شتافته و نظم و امنیت را در جامعه استحکام بخشد.

۸-۵- قاجاق :

قاجاق کالا عبارت است از نقل و انت قالات مخفیانه کالاها از خارج به داخل یا از داخل به خارج کشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوط.

قاجاق نوعی تجارت کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و پدیده‌ای نامطلوب است که اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاجاق اصولاً غیر عادی است و با بروز پدیده در اقتصاد هر کشور، در مرحله اول اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه تجارت جهانی خدشه دار می‌شود.

قاجاقچیان با قاجاق کالا بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به حقوق تمامی افراد جامعه تجاوز می‌کنند و موجب بروز اختلال در اقتصاد جامعه می‌شوند. آنها در مقابل خروج

کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به ورود کالاهایی می کنند که با ارزش ها و اعتقادات مردم مسلمان کشورمان همخوانی ندارد.

با قاچاق کالا تهاجم شدیدی بر علیه تولیدات داخلی کشور صورت می گیرد. صنایع داخلی که با تحمل هزینه های سنگین و ضوابط نرخ گذاری و تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت ها و سازمان حمایت از تولید کنندگان حکومتی و سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت ها و سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان مواجهند و تا کنون ناچار به پرداخت ده ها نوع عوارض و مالیات بوده اند، در رقابت با کالاهای قاچاق که مشکلات مذکور را ندارند. از دور خارج و با رکود و تعطیل و بیکاری کارگران خود مواجه می شوند. کارگرانی که به این ترتیب بیکار می شوند یا اصولاً فرصت شغلی دیگری پیدا نمی کنند. و یا به ناچار برای گذراندن زندگی خود به مشاغل کاذب و بعضاً به سوی قاچاق روی می آورند و از یک عامل مفید تولیدی به یک نیروی مخرب اقتصادی تبدیل می شوند.

قاچاق آفت مهمی برای اقتصاد کشور است که فقر ایجاد می کند و این فقر اقتصادی ممکن است عامل و ریشه بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی و مشکلات سیاسی گردد. از نظر اجتماعی وقتی افراد از طریق قاچاق کسب درآمد کنند، به تدریج ممکن است به سمت قاچاق کالاهای سود آورتر مانند مواد مخدر و کالاهای کم حجم و گران قیمت که بعد از آن قرار می گیرند، روی آورند. به این ترتیب با توسعه اعتیاد، نسل جوان کشور به انحطاط کشیده می شود و تجمل پرستی و مصرف کالاهای لوکس نیز در جامعه رواج می یابد. از سوی دیگر می توان انتظار داشت که با خشکاندن کامل ریشه های قاچاق، بسیاری از مفاسد دیگر اقتصادی و اجتماعی در جامعه نیز کاهش یابد و یا از بین برود.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی